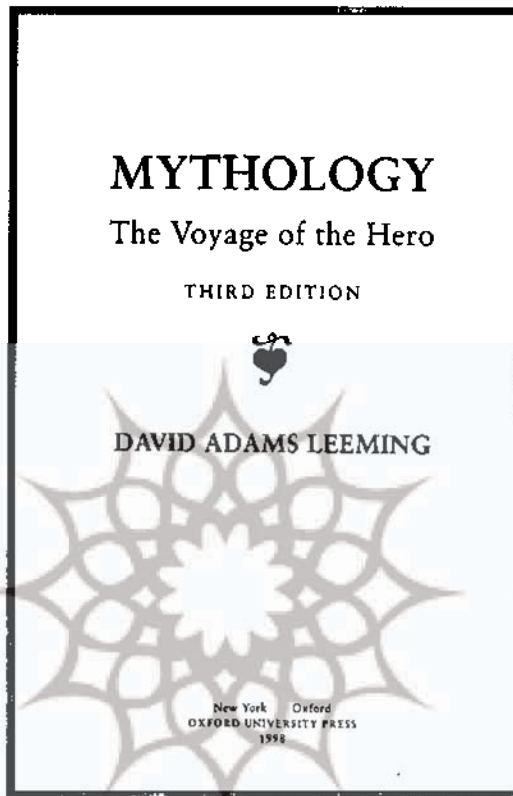


سفر دریایی قهرمان

■ دیوید آدامز لیمینگ

■ ترجمه و معرفی: علیرضا حسن زاده -
عنايت‌الله مرادی روفچاهی



سفر دریایی قهرمان (voyage of the Hero) نام اثری از اسطوره‌شناس آمریکایی دیوید آدامز لیمینگ (David Adams Leeming) است که در آن نویسنده به بررسی تطبیقی اساطیر جهان می‌پردازد. در این اثر اگرچه نویسنده از مجموعه روش‌ها و مکاتب اسطوره‌شناسی بهره می‌جوید اما «اسطوره» را در سطحی روان‌شناختی، که به روان‌شناسی اجتماعی می‌گراید، با رویا مقایسه می‌کند و اصل محوری او در این تحقیق گسترش مفهوم «خود» (self) و تکامل خویشتن به یاری «اسطوره» است. لیمینگ در هشت فصل کتاب مراتب رشد و ارتقای مفهوم «خود» (self) در نزد انسان رابه یاری «اسطوره» به ما بازمی‌شناساند. او در این فصول از اسطوره آریستنی معجزه‌آسا، تولد، کودکی، تفکر، تمق و کنش، جستجو و آزمون، مرگ و مفهوم قربانی، هبوط و سفر به سرزمین مرگ و نیستی و آگاهی بر نیمه‌های ناپیدا، احیاء، رستاخیز، تولد دوباره و نجات انسان، جاودانگی و خداگونگی سخن می‌گوید. اسطوره در

نگاه «لیمینگ» که در ارائه نظریه اسطوره‌شناختی خویش از جوزف کمپبل الهام می‌گیرد، فرایند آگاهی انسان بر وجود خود و جهان را در بردارد و به مفهوم فردیت نزدیک میشود. در این جا پس از مقدمه عالمانه لیمینگ نظری به فصل ششم کتاب با نام سفر به جهان فرودین می‌افکنیم.

مستقیم برای موجودی ناشناخته به کار می‌رود، ناشناخته‌ای که برای توصیف آن باید گفت: همه چیز از اوست و او همه چیز است. اگرما از تعریف معمولی «اسطوره» به عنوان داستانی که هیچ ریشه واقعی ندارد، چشم پوشی کنیم، اولین قدم را در راه رسیدن به تعریفی عمیق از این واژه برداشته‌ایم. گام بعدی انتخاب مسیری درست در این راه است. شیوه تفکر و جهت‌گیری مناسب، مهم‌ترین عواملی است که باید در این انتخاب مدنظر باشد. اسطوره‌شناسی با انواع ادبیات دیگر از جمله ادبیات کلاسیک چندان تفاوتی ندارد. امروزه اسطوره‌شناسان، انسان‌شناس، زبان‌شناس، قوم‌شناس، لغت‌شناس و شاید بیش از همه روان‌شناس هستند. در این مجموعه آیین‌شناسان، معتقدان به مکتب اشاعه، ساختارگرایان، پیروان مکتب یونگ و فروید و فرهنگ‌شناسانی که مفاهیم مربوط به اسطوره را مورد مطالعه قرار می‌دهند، نیز جای دارند. دانشجویی که امروزه به مطالعه اسطوره‌شناسی می‌پردازد، می‌تواند

واژه «اسطوره» (myth) از لغت میتوس (mythos) نشأت می‌گیرد و ریشه یونانی آن «میو» به معنی تولید صوت با دهان است و چنان‌که می‌دانیم از آغاز هستی، انسان دارای توانایی تولید صدا با دهان بوده است. از نظر پیروان ارتدوکس دربرداشتی متعالی و تاویل‌پذیر چیزی را که ما اسطوره نام گذاری می‌کنیم، همان واژه «خدا» است، اصطلاحی که به طور مستمر، رمزی و یا

قهرمان آن طوری که جوزف کمپبل می نویسد: «زن یا مردی است که قادر بوده است با محدودیت‌های تاریخی و منطقه‌ای خود نبرد کند»

از آرای برخی نظریه‌پردازان بزرگ برای درک افزون‌تر اسطوره کمک گیرد. در آغاز، پاره‌ای از نظریه‌های یاد شده در این مقدمه به طور مختصر مورد بررسی قرار می‌گیرد. ا. بی. تایلور (E.B. Tylor) با کتاب «فرهنگ ابتدایی» (primitive culture)، سرجمز فریزر (sir James Frazer) با کتاب «شاخه زین» (Golden Bough) و ادولف باستین (Adolf Bastin) با تئوری «پندهای مقدماتی اقوام بشری» خود از سردمداران اصلی نگرشی جدید به اسطوره بوده‌اند. هریک از اینان معتقد بودند که مقایسه اسطوره‌هایی که در فرهنگ‌های مختلف وجود دارد، قوانین اساسی حاکم بر زندگی بشر را مشخص خواهد کرد. امروزه شاید بعضی از اسطوره‌شناسان با این اصل کلی مخالف باشند اما آنان

فرهنگی است که بانفوذ فرهنگ‌های گوناگون و از جمله در شکل سفر اسطوره‌های ناشی از مناطقی که خاستگاه اسطوره‌اند، رخ می‌دهد. دیگران که شاید بتوان آنها را گروه‌های موازی یا به عبارتی مکتب پیروان یونگ (C.G. Jung) نامید، اصرار بر تشابهات فرهنگی‌ای دارند که در اثر نفوذ فرهنگ‌ها و یا تشکیل جوامع مختلف ظاهر نمی‌شود، بلکه در اثر مشخصه‌های ارگانیکی خاصی نظیر ساختار روان شناختی انسان‌هایی است که در مناطق مختلف زندگی می‌کنند. بر طبق این دیدگاه انسان‌ها به همان دلایلی که تغذیه می‌کنند، به همان دلیل نیز مجبور هستند که اسطوره‌هایی در مورد زندگی بعد از مرگ داشته باشند.

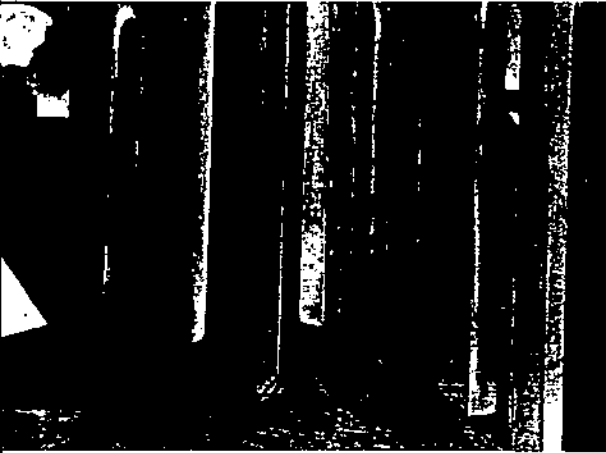
گروهی نیز هستند که تمامی مطالب گفته شده را اشتباه می‌دانند. یکی از آنان «کلودلوی اشتروس» یک ساختارشناس متن‌های اسطوره‌ای است. او در بررسی اسطوره و روایت به جای مطالعه اجزا، ارتباط میان اجزا را مطالعه می‌کند. در ادامه سرجمز فریزر اسطوره‌شناسی را شبیه کوشش برای شناخت دنیای طبیعی دانست. پیروان او به خصوص «جان هاریسون» (Jane Harrison) نویسنده کتاب «مضامین» (themis)، مکتب «کمبریج»



شاید این نقاشی یکی از معروف‌ترین نقاشی‌های مدرنی باشد که در آن پیکاسو با شش برابر تریاه داستان‌های طبقه کارگر، هراکلس، بودا، قهرمان زن در ساقچه‌های ورزشی یونان باستان و ماجرا جوانی که جلوه‌ای از نهدیدنیا و جهان در نتیجه افتخارشانند سخن می‌گوید. (پابلو پیکاسو، گرونیکا (۱۹۳۷) تابلوی رنگ و روغن ۱۱ فوت (با ابعاد ۲۵/۵ x ۵۷/۵) جامعه حقوقی هنرمندان (آر.س.) نیویورک.

بر روی کار و روش‌هایی که دقیقاً بر اساس بررسی اسطوره می‌باید انجام دهند، اتفاق نظر دارند. به عنوان مثال فرهنگ‌شناسانی چون امیل دورکیم (Emil Durkheim)، فرانس بواس (Franz Boas) و برانسیلاو مالینوسکی (Bronislaw Malinowski)، جامعه را به شکل نیرو، جریان و مجموعه‌ای می‌بینند که در ورای اسطوره‌شناسی یک فرهنگ خاص جلوه‌گر می‌شود. اما مکتب اشاعه (Diffusionism) امروزه طرفداران بیشتری دارد. واضح این نظریه لئو فروبنیوس (Leo Frobenius) می‌باشد که اساس نظریه او همگونی و همگرایی مناطقی از جهان بر اساس جاذبه‌های

یا مکتب اسطوره و آیین (myth-ritualschool) نامیده شدند. از نظر آنها اسطوره روایتی مرتبط با عمل آیینی است که فقط زمانی معنا می‌یابد که به عنوان بخشی قرینه آیین در نظر گرفته شود. یک نتیجه ارزشمند فعالیت‌های این مکتب گسترش تئوری منشاء آیینی ادبیات هنری بود. (istic origin sofdrans-ritual) جورجیو. د. سانتیلانا (Lana Giorgiode-santil) و هرتا ون دکند (Hertha van Dechend) اسطوره را به عنوان یک زبان قدیمی مرتبط با اندیشه رستاخیز و منتج به بهشت می‌دانند. کارهای بسیاری به خصوص از نقطه نظر روان شناختی در مورد رابطه اسطوره و انسان‌های امروزی



سفر پر آشوب از نمانی از نیروها و قدرت‌های موجود در جمله است. لوکوموتیوی که در میان اشکال باستانی به چشم می‌آید شاید همانند قهرمان پیر به دنبال سرنوشت خویش چون شیخ در میان زمان گذشته و حال سرگردان است. [جورجیا تو، چیریکو، سفر پر آشوب، ۱۹۱۲، تابلوی رنگ و روغن (ساقی متر ۱۰۶ x ۷۲) موزه هنر مدرن نیویورک

انجام گرفته است. «زیگموند فروید» در کتاب «توتیم و تابو» (totem and taboo) اصول روان‌شناسی را در بررسی اسطوره به کار گرفت و میان هیجان‌ات عصبی بروحی و اسطوره توازنی را مشاهده کرد. او و کسان دیگری چون نورمن او. براون (Norman o. Brown) بررسی فراوانی روی ارتباط و پیوندزبان و اسطوره با روان‌شناسی انسانی انجام دادند. یونگ در پی او باستین با در کنار هم قرار دادن تئوری الگوها (type) و مجموعه‌های ناشناخته به این نتیجه رسیدند که اسطوره بدون ارتباط با هیجان‌های روحی و عصبی یعنی به تنهایی بهتر می‌تواند مورد آموزش و بررسی قرار گیرد. پیروان «یونگ» نیز به تحقیقات بسیاری در این زمینه پرداختند. تحقیق پاول رادین (Paul Radin) اسطوره، و نیز کار «تریک استر» (Trickster) و میرچالیا (Mircea Eliade) در

تکمیل پژوهش‌های یونگ در باره ارتباط میان اسطوره و انسان و زندگی امروزی انجام گرفت. اریک نیومن (Erich Neuman) نیز از تئوری نمونه‌ها و الگوها تاثیر پذیرفت. بیشتر از همه یونگ موانع تحقیق در بسیاری از مسیرها را درهم شکست. مسیرهایی که از نظر دانشمندان مسیرهای اسطوره‌ای خوانده می‌شد و تحقیق درباره آن زمینه‌ها هول‌آور و یا بی ارزش می‌نمود. او ارزش و اعتبار خاصی به کار آنها به بخشید که تمایل داشتند اسطوره را تا حوزه زیرنفوذ ماورالطبیعه تعقیب کنند. اندیشمندانی مانند آلن واتس (Alan Watts) و آناداکوماراسوامی (Anada comaraswamy) از



هم بزرگ که در اندازه نسبتاً بزرگی ظاهر شده است به چینی که به شکل مجزوم اما در رحم مشاهده می‌شود اشاره دارد. او ما را از این واقعیت می‌آگاهاند که این واقعیت که این کودک فیرمان، کارهای کوتاگون و هفنازی را در این جهان آشفته انجام خواهد داد. (مری چکل ۱۹۱۳ موزه استیلجک، آسترگام، ولم ستانه، از سازمان میراث فرهنگی هلند ۱۹۹۸)

بتوان زاینده مسائل و ارتباطات یک گروه و یا روایت خاص آنها دانست، اما به طور عمیق‌تر، عامل اصلی پیدایی این اسطوره‌ها وجود احساسات و روحی جهانی مربوط به یک گروه انسانی است. برای نمونه اگر چه اسطوره‌های «آرتک» در برگزیده واقعیت‌هایی از جامعه مکزیک است، (صورتی از یک فرهنگ) اما وقتی که در نگاهی تطبیقی با توجه به اسطوره‌های ایسلند، مصر و یا یونان به آن نگریسته شود، ارتباطاتی را که میان همه انسان‌ها به عنوان یک گونه خاص وجود دارد، درمی‌یابیم. اینکه رویاهای یک فرد نتیجه رفتاری است که والدینش با او داشته‌اند و یا اینکه منشاء عصبی و روحی دارد. چندان دارای اهمیت نیست اما اینکه اسطوره آرتک‌ها از ژاپنی‌ها اقتباس شده است و یا این که برعکس اسطوره مشترک از میان آرتکها به نزد ژاپنی‌ها راه یافته است، دارای اهمیت است به دلیل آنکه در این چشم‌انداز اسطوره چون طنابی است که اقوام را به یکدیگر متصل می‌کند. یا بازهم برای مثال یک مسیحی، یهودی و یا بودایی نیازی ندارد که به او گفته شود تصور و خیالات او از مذهبش (از نظر آیینی و اسطوره‌شناسی) با تصورات و خیالات یک عابد یونانی یا مصری شباهتی دارد. هرچند او ممکن است تا اندازه‌ای از اینکه تفکری که او از اسطوره تجربه کرده است، به طور فراگیر توسط افرادی، دیگر نیز تجربه شده است. احساس رضایت و خرسندی نماید. اسطوره یک واقعیت است به همان دلیل که روابط میان انسان‌ها یک واقعیت است وقتی ما قابلیت حس کردن اسطوره‌ای را از دست می‌دهیم، در واقع از اساسی و

اصلی تحقیق در مورد تملقات مادی یا تاریخی اسطوره نیست بلکه برای معنا بخشیدن به چیزی است که بطور ذاتی در اسطوره‌هایی که نظیر رویاهای ذاتی واقعی هستند، وجود دارد. در حقیقت اسطوره‌ها را می‌توان رویاهای بشر نامید. رویاهای روزنه‌هایی برای فرار اشخاص از زندگی واقعی هستند. آنها آرزوها و ترس‌های انسان را ترسیم می‌کنند. رویاهای به تشکیل جوامعی کامل که بسیاری از الگوهای مشابهی پیروی می‌نمایند، کمک می‌کنند هم چنان که که «گزاروچیم» (Gezarochim) می‌گوید. کشیشان، پزشکان و افراد برجسته جامعه معتقدند که «اسطوره‌ها عبارت از راهنمایی درخشنده برای دلگرمی‌های معمول زندگی‌اند که با تباهی‌ها می‌جنگند تا افراد بتوانند هدف خود را به دقت انتخاب کرده و در راه آن به راحتی گام بردارند.»

بسیاری از ما خواب‌هایی دیده‌ایم که در آنها از بالای یک بلندی پرت شده‌ایم، گم شده و یا تنها رها گشته‌ایم. خواب‌هایی از پیروزی‌ها و شکست‌های جنسی، نظامی و یا هر چیز دیگر. تقریباً برای هر جامعه‌ای اسطوره‌هایی که یکی از این مضامین را در بر می‌گیرند، وجود دارد. این یقین وجود دارد که رویاهای تا اندازه‌ای ناشی از شخصیت و محیط افراد هستند. اما از طرف دیگر «یونگ» معتقد است که اندیشه افراد نمی‌تواند به طور کامل جدای از اندیشه قومی و منطقه‌ای باشد. رویاهای همچنین ناشی از مضامینی هستند که در عمق خیال انسان وجود دارد. ممکن است دلیل روشنی برای وجود برخی از این مضامین وجود نداشته باشد. بنابراین شاید اسطوره‌ها را

این شمار بودند. کوماراسوامی تا جایی پیش رفت که «اسطوره را همسایه دیوار به دیوار حقیقتی می‌دید که به صورت تجربه‌های مادی و جسمانی منعکس می‌شود. روایت اسطوره‌ای اعتبار و ارزشی فرامگانی و فرازمانی دارد. حقیقت هیچ جاو همه جاست.»

تعداد اسطوره شناسان به اینجا خاتمه نمی‌یابد. ا.ا.آرن (A.A.Arnes) و استیت تامپسون (stith thompson) تحقیقات نه چندان ارزشمندی در فهرست و طبقه‌بندی مضامین اسطوره‌ای انجام دادند. روبرت (Robert Granes) سی، کرنی (c.Kerenyi)، تئودور گاستر (Theodor Gaster) اس. ان. کرامر (S.N.Kramer) رکز وارنر (Rex Warner) و دیگران اسطوره و افسانه‌هایی جمع آوری کردند. ناقدان ادبی بسیاری به اسطوره‌شناسی روی آوردند. به خصوص نورتروپ فری (Northrop Frye) به طور گسترده از اسطوره در ادبیات استفاده کرده به این ترتیب به اطلاعات ما در مورد اسطوره به شکل قابل ملاحظه‌ای افزود.

در این لیست طولانی هنوز به جوزف کامپبل (Joseph Campbell) نپرداخته‌ایم محققى که شاید بیش از هر شخص دیگری، با نوشته‌های صحیح خود به مطالعه اسطوره‌ها حیاتی دوباره بخشید. کتاب «قهرمانی باهزار چهره» و چهارمین بخش کتاب «پوشش‌های ایزد» از این جمله‌اند. کار کامپبل به خصوص در بررسی اسطوره‌ها اهمیت فراوان داد. اما دلیل این سخن چیست؟ پاسخ این است که او با آرای خویش گام‌های بعدی ما را در بررسی اسطوره استوارتر ساخت. کامپبل بر این حقیقت تأکید نمود که اسطوره‌شناسی متعلق به نظریه یا نظریه‌پرداز خاصی نیست. از نظر او در راه اسطوره‌شناسی تفاوتی میان اشاعه فرهنگ‌ها یا طرفداران یونگ و یا یک ساختارشناس نیست. هر مسیری که درست انتخاب شود، جوینده را به درک درست اسطوره‌رهنمون می‌شود. کامپبل می‌نویسد: «جناى از دسته‌بندی‌ها، مطالعه عمیق اسطوره به صورتی که خاص همان باشد و نیز مطالعه چگونگی کاربرد اسطوره در زندگی گذشته و حال بشر، اهمیت آن را در چگونگی رفع نیازهای مهم و پرکشش زندگی فردی، اجتماعی و زمانی نشان خواهد داد» چیزی که در اینجا ضروری به نظر می‌رسد یک مسیر مشخص و منفرد است و این مسیر باید پیشاپیش همساز با سازگارترین و در نتیجه مفیدترین کوشش‌هایی قرار گیرد که به خصوص در کارهای یونگ، کامپبل، ایلیاده و کوماراسوامی دیده می‌شود. مطالبی که در این کتاب آورده شده است به طور کلی عمومی است اما برای یک اندیشمند و محقق اسطوره‌شناسی از دیدی که او به مسئله می‌نگرد می‌تواند بسیار جالب باشد. پرسش اساسی‌ای که ما باید بررسی کنیم این است که چه چیزی موضوعی را اسطوره‌ای می‌سازد و رخدادها و روایات اسطوره‌ای چه چیزی برای ارائه به ما داراست؟

کارل گوستاو یونگ می‌نویسد: «نخستین تفکرات، اسطوره‌ها را اختراع نکردند بلکه آنها را تجربه کردند. اسطوره‌ها نخستین منابع الهام برای اندیشه انسان و در واقع نمودی غیرآرادی از اتفاقات خیالی هستند» نکته

جهانی‌ترین چیزی که در انسان‌هاست، غافل شده‌ایم. واقعیت آن است که اگر جامعه‌های توانمند اسطوره را تجربه کنند، روح خود را از دست می‌دهند.

در ضمن چنان که ما روایاها را تعبیر و تأویل می‌کنیم تا نمایی از اندیشه و تصورات افراد را به دست آوریم، برای درک بهتر اندیشه انسان نیز باید اسطوره‌ها را مورد مطالعه قرار دهیم.

اکنون ما باید از کل به سوی جز حرکت کنیم، یک داستان یا روایت را چگونه باید بررسی کرد؟ چگونه می‌توانیم یک اسطوره را از یک نوشته ساده و یا نوشته‌ای که ظاهر اسطوره‌ای دارد، تشخیص دهیم؟ در این مسیر باید اسطوره‌شناسی تطبیقی بهره جست. در این بررسی باید اسطوره را خارج از یک جامعه محدود مانند جامعه مصری، یونانی و... در نظر گرفت و آن را به طور کلی در چارچوب جوامع انسانی مورد بررسی قرار داد. اسطوره گریل (Grail) مثالی خوب از داستانی است که به شکل‌های مختلف بیان شده است و به وضوح مخلوطی است از یک اساس و بنیاد اسطوره‌ای و عناصر قومی و منطقه‌ای که سپس در نقل قول‌هایی سینه به سینه به آن اضافه شده است. وقتی که جسی وستون (Jesse Weston) تحقیقات خود را برای یافتن حقیقت این اسطوره در کتاب از آیین تا افسانه (Form Ritual to Romana) به کار گرفت از روش تطبیقی استفاده کرد و دریافت که اسطوره‌ها و روایات نمویافته بسیاری از جمله اسطوره تموز (Tammuz)، ازیریس (Osiris)، آتیس (Attis) و حتی مسیح در حول و حوش گریل قهرمان و شاه فیشر (Fisher King) جان گرفته‌اند. اوفهمید که اساس و بنیاد «اسطوره گریل» شخصیت پرسوال (Percival) یا جستجوهای گالاها (Galahad) نیست، بلکه امید اصلاح و نوشدگی است که به طور معمول در تمامی داستان‌های قهرمانان مرتبط با شاه فیشر وجود دارد. در اینجا هم چنان‌که آیین شناسان (آیین گرایان) می‌گویند اسطوره‌ای وجود دارد که با آیین مرتبط است، آیینی که اساسی مشابه رسمی دارد که توسط قهرمانان خدایی نمایش داده و معرفی می‌شود.

بدون شک باز کسانی خواهندبود که می‌پرسند همه این دانستگی‌ها چه چیزی برای ما خواهد داشت؟ در پاسخ باید گفت آنها هر کاری را برای ما انجام می‌دهند. سفر زندگی، جستجویی برای یافتن خویشتن است. اسطوره شخصی نخست به نظر می‌آید که از منطقه‌ای خاص برخاسته است. جیمز جویس (James Joyce)، کامپبل و... این اسطوره را تک اسطوره (monomyth) نامیدند. برای درک و فهم واژه «تک اسطوره» باید گفت که مجموعه‌ای از دانستگی‌های اسطوره‌ای است که نیرویی را شکل می‌بخشد تا ما برناتوانایی‌های خود (در عصر تکنولوژی) غلبه کنیم. ما نیازمند کشف دوباره ناشناخته‌های زندگی هستیم.

«تک اسطوره» به تنهایی بیانگر سفر قهرمانی فرضی و یا سفر ما در درون زندگی جسمی و روحی مان است و با مسیر تکاملی انسان برای دستیابی به آگاهی کامل ارتباط دارد. قهرمان آن طوری که جوزف کامپبل

می‌نویسد: «زن یا مردی است که قادر بوده است با محدودیت‌های تاریخی و منطقه‌ای خود نبرد کند. به طوری که در شکل پذیرفته شده انسانی خویش اعتبار کسب نماید.»

قهرمان همان کاری را می‌کند که همه دوستدار انجامش هستیم او حقیقتاً «خود را می‌یابد.»

از نظر کامپبل «از دست دادن توانایی مبارزه در اثر محدودیت‌های فردی در واقع از دست دادن توانایی رشد روحی است. هنر، ادبیات، اسطوره، عادات مذهبی، فلسفه و ریاضت کشی ابزارهای کمکی افراد برای درنوردیدن خطوط محدودکننده خود و ورود به محدوده‌ای در حال گسترش از درک واقعی است. فرد همچنان که پله‌های ترقی رایکی پس از دیگری می‌پیماید و موانع را یکی پس از دیگری کنار می‌زند، توانایی خداگونه شدن وی که او را مشمول ارزشمندترین آرزوهایش می‌سازد، افزایش می‌یابد تا وی به کمال مطلوب دست یابد.

ما باید با قهرمان در طی این طریق همراه شویم. برای اینکه خود را بیابیم باید در سیر کمال از خود بگذریم. ما باید تصویر انسانیت را در خود انسان کشف کنیم. مطالعه اسطوره در واقع شنیدن «آواز شگفت‌انگیز ابر ماجراهای پرحادثه روح است.»

این کتاب براساس شکل ساده شده‌ای از «تک‌اسطوره» نوشته شده است. این تک اسطوره به هشت رخداد تقسیم‌بندی می‌شود که هر یک به طور جداگانه مورد بررسی قرار خواهند گرفت. در هر یک از این بخش‌ها، رویدادهای اسطوره‌ای بسیاری در زندگی قهرمان وجود دارند. البته این تقسیم‌بندی به‌طور پذیرفته شده‌ای ایده‌آل نیست و بسیاری از اسطوره‌هایی که در یک بخش تقسیم‌بندی می‌شوند می‌توانند به خوبی در بخش‌های دیگر هم دسته‌بندی گردند. مثلاً داستان «بودا و درخت» اسطوره تفکر و کشش (withdrawal and meditation) است اما آن می‌تواند از بعضی جهات هم یک اسطوره تحقیقی (questmyth) و یا در برخی سویه‌ها اسطوره‌ای نزولی (descant myth) باشد. داستان گاوین (Gawain) یک اسطوره تحقیقی و نیز یک اسطوره نوزایی (rebirth) است. در این باره باید گفت که در یک بخش اسطوره‌ای بزرگ همه یا بسیاری از عناصر پایه‌ای و اساسی گذرگاه اسطوره‌ای (مسیرهای عبوری) به طور کامل یافت می‌شود. داستان سقوط آتیز (Aeneas) به دنیای مادون خود شامل حرکتی از آغاز تا سقوط و دربردارنده نوعی از نوزایی است. درباره این تقسیم‌بندی‌ها باید در یک کلام آنها را مبتکرانه دانست. تقسیم‌بندی‌های «تک اسطوره» که ما در اینجا آنها را مرتب کرده‌ایم، به معنای آخرین تقسیم‌بندی نیستند. قبل از اینکه تقسیم‌بندی انجام شده براساس خاستگاه طبیعی آنها باشد، فقط به منظور مطالعه آن بوده است. خوشبختانه جداسازی اسطوره‌های مشابه از فرهنگ‌های گوناگون و مقایسه معنوی و دقیق آنها با هم، به طور آشکار واقعیتی اساسی و مهم از علم اسطوره‌شناسی را خواهد ساخت.

«تک اسطوره» در این کتاب به صورت زیر مرتب

«تک اسطوره»

به تنهایی بیانگر سفر قهرمانی فرضی

یا سفر ما در درون زندگی

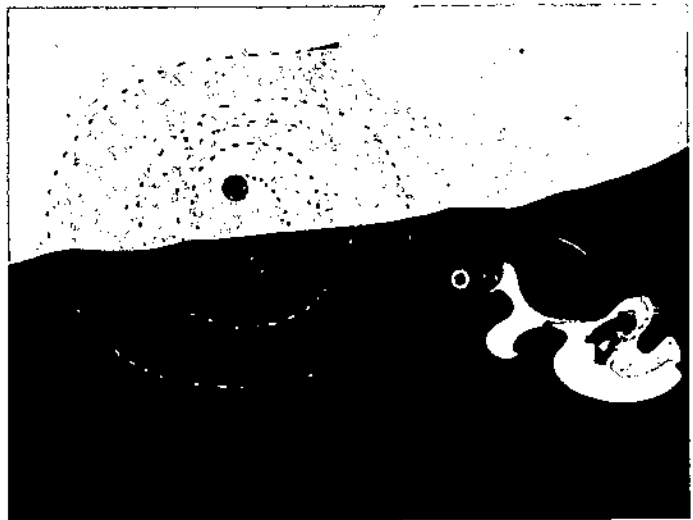
جسمی و روحی مان است

و با مسیر تکاملی انسان برای دستیابی

به آگاهی کامل از تباط دارد

گردیده است. در بخش اول قهرمان (و هریک از ما) با متولد شدن «ماجرای بزرگ» خود را آغاز می‌کند. آغاز، تولد و یا رخدادهایی که بی درنگ پس از تولد رخ می‌دهند (و یا هر سه مورد با هم) در نهایت غیرمعمول یا خارق‌العاده هستند. این موضوع شگفت‌انگیز نیست. زیرا برای تمامی انسان‌ها تولد نخستین تجربه شوک‌آور یا اولین معجزه زندگی است. این حادثه برای قهرمانی که بیشترین تأثیرات را از محدودیت‌های منطقه‌ای و تاریخی می‌پذیرد نظیر تمامی حوادث زندگی می‌تواند قابل ملاحظه باشد. بخش دوم مرحله اساسی آغاز یعنی کودکی است کودک به طور ناگهانی از نیروهای مطلع می‌شود که بسیار قوی‌تر از وی هستند و او از درک کامل آنها ناتوان است. در اسطوره و افسانه این موضوع به صورت کشمکش‌هایی با حیوانات وحشی یا غول‌ها بیان می‌شود. از یک نظر برای تمامی بچه‌های کوچک تمامی بزرگسالان به صورت غول‌هایی جلوه می‌کنند که مهربان یا سنگدل هستند. برای عبور از این مرحله کودک غالباً به کمک عوامل بیرونی نیازمند است به تعبیر دیگر او نیاز دارد که نیرویی قوی‌تر از او حمایت کند. از نظر اسطوره‌شناسی این نیازمندی نشانه وابستگی به خداست. مطالعات بیشتر از سوی افراد برای رسیدن به آگاهی‌های اسطوره‌ای و افسانه‌ای باید از طریق این مرحله آغازین اما شاعرانه زندگی انجام شود. در بخش سوم قهرمان وارد مرحله آمادگی برای اندیشیدن و به هدف رسیدن می‌شود. هر فردی در جستجوی سرنوشت شخصی خود باید از هوش و الهامات روحی موجود در وجودش برای رسیدن به خدا استفاده کند. این مرحله، مرحله اصلی گذشتن از خود برای یافتن خود (خویشتن) است قهرمان نظیر هر فردی در این مرحله اغلب توسط دنیا و محیط مادی که از نظر اسطوره‌ای به شکل تصویری از ابلیس جلوه می‌کند، وسوسه می‌شود. ابلیس سعی می‌کند حفاظتی و امنیتی را که شخص در اثر مراقبت و عبادت فراهم آورده است، درهم شکنند. پس از این مرحله در مرحله چهارم جستجو و آزمون و در واقع نزاع‌ها، کشمکش‌ها و پیامدهای دوران بزرگسالی آغاز می‌شود. برای قهرمان در این دوره هدف ممکن است جستجوی شیئی طلایی (Golden Fleece) و یا گریل مقدس (Holy Grail) باشد و او به کوشش‌هایی چون کوشش هراکلس (Heracles) و مسیح (Christ) بپردازد. علت این اسطوره‌ها نیاز آدمی برای دستیابی به رضایت در محیط و زندگی بیرونی است. همچنان‌که او در مرحله تفکر با آن‌چه که در درون اوست، احساس خوشنودی می‌کند.

جستجوها و کوشش‌ها در مرحله پنجم هم ادامه



چرخش از هلال ماه - که همواره نمادی معادله و مونت است - به سوی بیرون از بنیاد و تکت شکوفایی زندگی سخن می گوید. این نقاشی شادی بخش و نشاط آفرین خود حلقه‌ای از یک چرخه ابدی را تداعی می کند.
جون میرزا، سرزمین گریز، 4927،
تابلوی رنگ و روغن، ۵۱x۷۶۵،
موزه سالمان، آبر، کانتون، نیویورک

مفهوم «خود» (self) بررسی می‌شود. در این سفر نه تنها قهرمان بر نیمه‌های ناپیدا و هراس آلود جهان آگاهی می‌یابد بلکه بر ترس و انباشته‌های منفی وجود خویش غلبه می‌کند. جهان اسطوره‌آنگاه که به تطبیق اسطوره و رویا می‌پردازیم و اسطوره را از نگاهی روان‌شناختی باز می‌کاویم، به سویه دیگر از وجود فردو بخش مشخصی، تاریک و ناشناخته شخصیت نیز دلالت می‌دارد. قهرمان با سفر و لمس این سویه به شخصیت و ادراکی کاملتر از خویش دست می‌یابد. از سوی دیگر این اسطوره بیانگر برخورد با مساله مرگ و لمس آن است. لیمینگ دربارهٔ بن مایه سفر به جهان فروسو چنین می‌نگارد:

«در اسطوره‌شناسی سفر به جهان فروسو، قهرمان اسطوره‌ای خود را به صورت یک کاشف در سرزمین مرگ باز می‌یابد. در این سفر قهرمان سیربلاگردان نوع خویش می‌شود. او به عنوان نماینده انسان به چاهی برمی‌خورد که آدمی به خودی خود از آن بسیار می‌هراسد. قهرمان اسطوره‌ای در این رخساره امید انسان برای غلبه و چیرگی بر مرگ و درک آن است. مضمون اصلی این سفر پرتلاطم جدایی عاشق، یا انجام یک وظیفه و خویشکاری سخت و دشوار است. دلیل هرچه که باشد این اسطوره، رنج‌های قهرمان افسانه‌ای را در بردارد و یا نمایانگر شکنجه‌های واقعی جهان فرودین پیش از غلبه بر مرگ است. مرگی که بی‌شک به حیات دوباره یا رستاخیز می‌انجامد. جستجو با موفقیت همراه می‌شود، چون سنت ارنخوس که در آن عاشق تنها به امید وصل دوباره جدا می‌گردد. درک اسطوره سفر جهان فرودین، در این حقیقت تجلی می‌یابد که بازگشت قهرمان اسطوره‌ای به درون زمین، سفر به آغوش مادر طبیعی است. این صورت تداعی‌گر مرحله‌ای از رویش دانه است. قهرمان قبل از آنکه به عنوان خدایابهداری اسطوره‌ای متولد شود و سیرنوع انسان گشته و از میان رود، زمانی بهنگام و لازم را در شکم زمین می‌گذراند. او همان طور که وارد قلمروی مرگ می‌گردد. امور مادی و فانی را پشت سر می‌نهد و با درکی نو به صورت یک موجود تازه به دنیا می‌آید. حقیقت روانشناختی در پس این اسطوره [اسطوره سفر به سرزمین فروسو] جریان درک نفس است. [...] اینانا خدای روشنایی، عشق و زندگی در سفر به جهان فروسو با خواهرش ارشکیگال خدای سیاهی، تیرگی و مرگ یعنی نیمه تاریک وجود خویش روبه رو میشود. [...] این هبوط و سفر شکلی از آگاهی، به غیر است که به ادراک شخصی عمق و وسعت می‌بخشد. آنگاه که ناآگاهی‌ها کشف نشده باقی می‌ماند این احتمال وجود دارد که کوتاه‌بینی و جدایی از وجدان و خود آگاهی روی دهد [...] سفر به جهان فرودین، سفری است که قهرمان اسطوره‌ای نمی‌تواند از آن روی گرداند. تنها پس از این سفر است که او می‌تواند به عنوان یک فرد کامل متولد شود.»

آنچه لیمینگ در اسطوره سفر به جهان فروسو برمی‌کاود، دریافت این حقیقت است که قهرمان در حلقه‌ای دیگر از سفرهای خود به شناختی کامل‌تر از خویش خویش دست می‌یابد و بر ترس باشد ترس‌ها و هراس‌های خود چیره می‌آید. اشراف بر تمامی

چرخه طبیعی تولد، مرگ و زادمان نو می‌پیوندند. در مرحله هشتم در قهرمان نقش و کارکرد دیگری دیده می‌شود. او تحت شرایط خاصی قرار می‌گیرد، از چرخه طبیعی بیرون رفته و در مکان و جایگاه جاودانی جای می‌گزیند. جایگاهی که مرتبط با مجموعه‌ای از نظم کامل و خدای آفریننده (Gredor-Fathoz God) است. انسان مشتاق زندگی جاودانی و ابدی است. بنابراین در این مرحله او کاستی‌های خود را جبران می‌کند. کفاره گناهان خویش را می‌پردازد و وارد بهشت می‌شود و یا اینکه خود به مرحله خدایی می‌رسد. در یک احساس کاملاً روان‌شناختی، این مرحله اوج و نهایت کمال فردی را ترسیم و تصویر می‌کند. قهرمان با گذراندن دوران بچگی، جوانی، بزرگسالی و مرگ آمادگی پیدا می‌کند که خدا را یکبار و برای همیشه درک نماید و به این ترتیب «ترانه شکفت‌انگیز ماجراهای مهیج روح» کامل می‌شود. پس اسطوره‌شناسی به صورتی که در این کتاب مطرح شده است، بیانگر نشانه‌ها و تصورات اساسی‌ترین مرحله تخیل و اندیشه‌های انسانی است. اینکه ما چگونه با این مرحله ارتباط برقرار نماییم. از اهمیتی فوق‌العاده برخوردار است. هم چنانکه یونگ می‌نویسد: «کامل‌ترین نوع زندگی فقط وقتی امکانپذیر است که ما با این علائم و نشانه‌ها ارتباط برقرار نماییم و آن پرسشی درباره عقیده و دانش نیست، بلکه پذیرش افکاری است که تصورات ما را در مورد نادانسته‌ها دربرمی‌گیرند.»

فصل ششم کتاب «لیمینگ» از اسطوره هبوط و سفر به جهان فرودین (Desent to under world The) سخن می‌گوید. او در این فصل به بررسی تطبیقی صورت و رخساره‌های اسطوره‌ای قهرمانانی چون اینانا یا ایستر (سومری و بابلی)، هیاکا و لویانو (پولنیزی)، وانجیرو (آفریقایی)، کوان بین (چین)، هرکول (یونان) یورویک و ارفئوس (یونانی و رومی)، بالدر و هرورد (ایسلند) ایزانای و ایزاناجی (ژاپن) آیس (یونانی) و... می‌پردازد. در این بررسی تطبیقی بن مایه (motif) سفر شبانه ارواح یاهبوط به جهان فرودین در ارتباط با گسترش

می‌یابد، جایی که قهرمان باید با مرگ جسمانی مواجه شود. مرگ قهرمان نظیر تولد او حادثه‌ای حیرت‌انگیز و غیرمعمول است. همچنان که تولد او امری قطعی است، مرگ او نیز چنین است. او در اثر مرگ متلاشی می‌شود، اما از دیدگاه روان‌شناختی رفتارهای او برای ما آموزنده است. او بخاطر ترس و گناه سرزنش و ملامت می‌شود، او تذکری برای ماست که باید از آن پیروی کنیم. و راه او را بیماییم. در هر حالت چیزی که مهم است حیات مداوم خاطره او در ذهن ماست.

در بخش ششم نقش قهرمان به عنوان کسی که به جای ما سرزنش می‌شود و نیز به عنوان جستجوگر، کاوشگر و یا کسی که تلاش و کوشش بسیاری از خود نشان می‌دهد، ادامه می‌یابد. او در این بخش نشان‌دهنده آرزویی است که با مرگ ممکن است تا حدی برآورده و درک شود. بنابراین او به دنیای فرودین نزول می‌کند، دنیایی که پس از مرگ در زیرزمین درک می‌گردد، او در این سفر با نیروهای مرگ و نیستی مبارزه می‌کند. در این اسطوره قهرمان گاه در نقش شخصی که مرگ جسمانی را تحمل می‌کند، ظاهر می‌شود و گاه نیز به عنوان فردی زنده عمل می‌کند که در نزول خود مرگ ظاهری را متحمل میشود. این بخش، مرحله پرکشش و جذاب سفر قهرمان است. به عبارت دیگر مرحله نهایی مواجه شدن و رودررویی خود با خود به شکلی عمیق است و این اسطوره خود بیانگر نگاهی فلسفی مرتبط با منشا و ساختار جهان مادی است. تلاش و از هم پاشیدگی ناشی از مرگ نوید و مژده زندگی نو و جدید را می‌دهد. رویش و پرمردگی، بهار و خزان دو عامل جدایی‌ناپذیر از چرخه طبیعت است. چرخه‌ای که براساس گردش فصول، ماه و یا خورشید بیان می‌گردد. قهرمان پس بطور کاملاً اتفاقی و معمولاً به کمک یک زن (که سمبل رویش و امید و پیوستگی نهایی (eve-ilual union) به همه چیزهاست) از جهان فرودین و نیستی (under world) صعود می‌کند و در مرحله هفتم نقش خود را به عنوان کسی که برای نجات دیگران پذیرای ملامت است ادامه می‌دهد. او بیرون از اصول عادی زندگی بشری عمل می‌کند، سرزمین مرگ و خود مرگ را درمی‌نوردد و به

اسطوره و معنا

■ کلود لوی استروس
■ ترجمه شهرام خسروی
■ نشر مرکز



کلود لوی استروس بنیانگذار مکتب ساختارگرایی در انسان‌شناسی است. رشت‌های که به قول خودش ترکیبی است از دانش تئوریک و علاقه به ماجراجویی. ساختارگرایی در جستجوی عنصر نامتغیری است در میان تفاوت‌های ظاهری. وی تلاش دارد تا نشان دهد ساختار اندیشه انسان یگانه است و هیچ گونه تفاوت بنیانی در شیوه اندیشیدن انسان اولیه و متمدن وجود ندارد. در واقع توجه نهایی وی ماهیت ناگهانه پدیده‌های جمعی است. اینکه ساختارگرایی در پی چیست اسطوره برای چه به وجود آمده و سوالات دیگر، مواردی است که در کتاب حاضر تلاش می‌شود به آنها پاسخ داده شود. اسطوره و معنا متن نگاشته وی می‌باشد که در یک سلسله برنامه‌های رادیویی برای رادیو کانادایی سی.بی.سی ایراد شده همراه با چهار مصاحبه با او. کلود لوی استروس در این اثر می‌کوشد که نشان دهد اساطیر تلاشی دیالکتیکی‌اند برای یافتن معنایی از میان اطلاعات نامنظمی که طبیعت ارائه می‌دهد.

استروس مطلق‌گرایی است پنهان و خود را مدیون فروید می‌داند و در همین حال اصرار دارد که قصد ارائه سرنمونه‌های (Paradigm) کلی بشر را ندارد. در اثر حاضر وی سرانجام از مخفی‌گاه مطلق‌گرایی‌اش خارج می‌شود. این اثر بر روی تمام ناسازهای اصلی روش شناختی وی انگشت می‌گذارد. تنش‌های مشابه بین اسطوره و علم، اسطوره و تاریخ، اسطوره و موسیقی و [ذهنیت] ابتدایی و متمدن وی تضاد قطعی میان طرز اندیشیدن ابتدایی و متمدن را توضیح می‌دهد. آنچه در کتاب حاضر پیش روی ما می‌باشد ماهیت واقعی نگرش او به اسطوره است. چنان که در بخشی از فصل اول می‌گوید: «در ساختارگرایی احتمالاً چیزی بیش از یافتن عامل یا عوامل نامتغیر در میان تفاوت‌های سطحی وجود ندارد.» و اگر به نظام لوی استروس دقیق‌تر نگاه کنیم متوجه می‌شویم که واحدهای اسطوره‌ای وجود تشابهات و تفاوت‌ها را ممکن می‌سازد. پس می‌توان واحدهای اسطوره‌ای را به هر شکل نظم داد و علت و معلول یا ترتیب زمانی را کنار گذاشت. وی در این اثر با موضوع ترتیب زمانی به طور مستقیم برخورد می‌کند. موضوعی که مشکل دیرین ساختارگرایی بوده است. در این کتاب جا به جا از زندگی شخصی استروس مطلع می‌شویم که در فصل پنجم به آن اشاره می‌شود.

هستی و هویت خویش و جهان چون زندگی و مرگ، روح و جسم، خوبی و بدی، روشنایی و تاریکی از اساسی‌ترین دریافتهایی است که در پی سفر قهرمان به چنگ می‌آید. سفر به فروسو در حلقه‌ای دیگر از زنجیره مرتبط «تک اسطوره»ها با تکامل و تداوم شخصیت قهرمان به جاودانگی می‌انجامد. جاودانگی و خداگونگی حاصل سفر هشتم، یا سفر به فراسواست. سفری که همواره انسان آن را در رویاهای خویش باز می‌جوید. در این باره به راحتی می‌توان به شعر شاعران و نویسندگان سرزمین ایران که گرانبار از حس تعالی جوی روح و اندیشه‌ای تشنه، سرکش و عمیق است اشاره داشت. فروغ، سفر به فراسوی پاک را آرزو می‌کند و در بینش عرفانی خویش از عنصر، «تطهیر» مدد می‌جوید (شعر به علی گفت مادرش روزی)، سهراب عزم آن سوی خاک دارد (شعر پشت دریاها)، گلی ترقی در حلقه‌های مرتبط و زنجیره‌وار سفر، شخصیت قهرمان خود را می‌پرورد (منظومه دریا پری) و بهرنگی در نگاه ایدئولوژیک و ستیزنده خویش قهرمان خود را در سفری بزرگ تا دریاها می‌رساند (ماهی سیاه کوچولو) بهر حال «سفر دریایی قهرمان» اثر عمیق لیمینگ که سه بار از سوی دانشگاه آکسفورد به چاپ رسیده است از آثار ارزنده سال‌های اخیر در زمینه اسطوره‌شناسی است. که در عین حال زبانی ساده و همه فهم دارد و ارائه نخست صورت‌های اسطوره‌ای (داستانی) و سپس تفسیر آن بر عمق درک و نگاه خواننده نسبت به اسطوره می‌افزاید.

1. Anand coomaraswamy, Hinduism and Buddhism, P.6-see the bibliography for complete documentation of this all footnotes
2. Joseph campbell, the Hero with a thousand Faces, P.382
3. Carl Gustav Juns and C.Kerenyi, introduction to a science of mythology, p.101.
4. Geza Roheim, the origin and function of culture, P51
5. see the appendix on jung
6. Joseph campbell, the Hero with a thousandfaces, pp. 1920.

۷. در این زمینه برای مثال ن.ک: حسن زاده، علیرضا. بازخوانی دوم: سفر دریایی قهرمان، روزنامه عصر آزادگان. از این زمینه؟؟ از منابع آن کتاب «سفر دریایی قهرمان» است، گفت‌مان و ادبیات شفاهی و مکتوب مورد بررسی قرار می‌گیرد.
۸. کتاب «سفر دریایی قهرمان» اثر لیمینگ در مرحله نهایی ترجمه قرار دارد و به زودی از سوی مترجمان این مقاله علیرضا حسن زاده و عنایت‌الله مرادی به جامعه فرهنگی ایران عرضه خواهد شد.